



علی نیکبوی
دانشجوی کارشناسی ارشد
تاریخ ایران باستان

خلیج فارس

تاریخ چند هزار ساله پارسی در برابر

تاریخ چند صد ساله شیخ نشین ها

می نویسد: (ترجمه) اما دریای هند از آن خلیجی به سوی ناحیت پارس بیرون آید که خلیج پارس نام دارد و بین این دو خلیج (احمر و پارس) سرزمین حجاز و یمن و دیگر بلاد عرب واقع است.

۱۰- سهراب، دیگر جغرافی دان مسلمان که در قرن سوم می زیست، در کتاب عجائب الاقالیم السبعه الی نهاییه العماره که به عربی تالیف گردیده می نویسد: (ترجمه) دریای پارس دریای بزرگی است در جنوب.

۱۱- دیگر جغرافی دان مسلمان، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن خردادبه متوفی به سال ۳۰۰ ه.ق در کتاب المسالک و الممالک در مورد رودهایی که به خلیج فارس می ریزد چنین می گوید: (ترجمه) گروهی از این رودها به سوی بصره و گروهی به سوی مذار روانند. سپس همه ی آنان به دریای پارس می ریزند.

۱۲- ناخدا ی رامهرمزی دیگر جغرافی دان مسلمان در کتاب خود عجایب الهند بره و البحره و جزایره که تالیف آن برای سال ۳۴۲ ه.ق به عربی می باشد چنین می نگارد: (ترجمه)

از شگفتی های دریای فارس چیزی است که مردمان به شب هنگام ببینند چون موج ها بر هم خورند و بر یکدیگر شکسته شوند، از آنها آتش برجهد و آن که بر کشتی سوار است، گمان کند بر دریایی از آتش روان باشد.

۱۳- الکرخی جغرافی دان مسلمان متوفی به سال ۳۴۶ ه.ق در کتاب مسالک الممالک خود چنین می نگارد: دریای پارس که مشتمل بر بیشتر حدود آن است و به دریای عرب و دیگر بلاد اسلام پیوندند...

۱۴- مسعودی مورخ و جغرافی دان مسلمان عرب متوفی به سال ۳۴۶ ه.ق در کتاب خود مروج الذهب و معادن الجواهر می نویسد: (ترجمه) از این دریا که دریای هند یا حبشی باشد، خلیج دیگری منشعب گردد که دریای پارس است... و این خلیج مثلثی شکل است.

۱۵- ابن المطهر المقدسی الطاهر بن مطهر متوفی در اواخر قرن چهارم در کتاب خود البدء والتاریخ که در سال ۳۵۵ ه.ق تالیف نمود می نویسد: (ترجمه)

همه ی این رودها در دجله فراهم آیند و دجله از ابله به آبادان بگذرد و در خلیج پارسی بریزد.

۱۶- ابوریحان بیرونی متوفی به سال ۴۴۰ ه.ق در کتاب التفهیم لاوائل صناعه التجمیم که به فارسی تالیف کرده نام این آبراه را هم خلیج فارس و هم دریای پارس می آورد.

۱۷- در قدیم ترین اثر جغرافی به زبان فارسی یعنی کتاب حدود العالم من المشرق الی مغرب که در سال ۳۷۲

ایران، آسوریان این آبگیر را در کتیبه های خود «نارمتو» که به معنای رود تلخ می باشد، می نامیدند و این قدیم ترین نام بر خلیج فارس است.

۲- در کتیبه ای از داریوش کبیر مکشوف در تنگه ی سوئز عبارتی با عنوان «درایه تیه هچا پارسا آئی تی» منظور گردیده است و معنای آن یعنی دریایی که از پارس می رود و منظور آن دریای پارس یا خلیج فارس است.

۳- در زمان خسروان ساسانی این آب راه را دریای پارس می نامیدند.

۴- مورخان یونانی نظیر فلاویوس آریانوس که در سده ی دوم میلادی می زیست، در کتاب لشکرکشی های اسکندر یا «اناباسیس» نام این آبراه را پرسیکون کایتاس آورده که به معنای خلیج فارس است.

۵- از دیگر جغرافی دانان یونانی که در قرن اول میلادی می زیست، استرابون می باشد، وی بارها به نام خلیج فارس تاکید می کند و در جایی این گونه می گوید: اعراب بین بحر احمر و خلیج فارس جای دارند.

۶- بطلمیوس، جغرافی دان بزرگ که در قرن دوم میلادی می زیست، در کتابی در علم جغرافیا که نگارش آن لاتین می باشد از این آبراه به نام پرسیکن سینوس یاد می کند.

۷- کورسیوس روفوس، مورخ رومی که در قرن اول میلادی زیست می کرد، در مورد تاریخ اسکندر بسیار کوشید. وی این آبراه را به لاتین چنین می نامد: آکواروم پرسیکو می خواند.

بعد از حمله اعراب به ایران و فتح ایران توسط اعراب باز نام این آبراه تغییر نکرد.

در اثبات سخن خویش رجوع می کنیم به منابع دوره ی اسلامی تا جستار کنیم نام این آبراه را در متون دوران اسلامی.

۸- ابن الفقیه در کتاب جغرافیای خود مختصر کتاب البلدان که به سال ۲۷۹ ه.ق نگارش گردیده به عربی چنین می گوید: (ترجمه)

بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یک دیگر هر دو یک دریا هستند.

۹- ابوعلی احمد بن عمر بن رسته، جغرافی دان دنیای اسلام در تالیف خود تقویم البلدان (الاعلاق النقیسه) که در سال ۲۹۰ ه.ق به عربی تالیف کرده

در چند دهه ی اخیر بر آبراه بزرگی که در جنوب مرزهای خاکی ایران قرار دارد و مردم ایران به اتکا به تمام منابع و اسناد، آن را خلیج فارس می خوانند، نام مجعول دیگری گهگاه نهاده می شود و آن را خلیج عربی می نامند. این در حالی است که زمانی که داریوش کبیر در هزاران سال پیش نام خلیج پارس بر آن نهاد، هیچ اثری از اعراب که اکنون با تاریخ کمتر از دو سه سده داعیه ی مالکیت بر این خلیج دارند، وجود نداشت

در این مقال برآنیم ریشه های نام این آبراه بزرگ را جستار کنیم و علت نام های مجعول که بر این خلیج گمارده می شود را کنکاش کنیم.

خلیج فارس و موقعیت جغرافیایی

خلیج فارس پیشرفتگی وسیع آب در خشکی در بخش جنوب غربی قاره ی آسیا، شمال شبه جزیره ی عربستان و جنوب فلات ایران قرار دارد و از طریق دریای عمان به اقیانوس هند می پیوندد و به بیان دیگری شعبه ی شمال غربی اقیانوس هند است.

خلیج فارس بین ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه ی عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه ی طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و وسعت آن حدوداً ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع می باشد و تقریباً نصف دریای مازندران است. خلیج فارس جزء دریا های کم عمق جهان است و در بخش عمده ی آن میانگین عمق آب کمتر از ۳۶ متر است؛ اما در برخی نقاط معدود از جمله در نقطه ای نزدیک راس مسندم در مجاورت دریای عمان، این عمق به ۱۸۲ متر می رسد.

نام پارس همراه همیشگی بر آبراه

اکنون نام این آبگیر را در منابع تاریخی دنبال می کنیم تا بتوانیم تاریخچه ی نام خلیج فارس را ارایه دهیم.

۱- پیش از مهاجرت اقوام آریایی به سمت فلات





ه.ق تالیف گردیده، نام این آبراه خلیج فارس آمده و چنین نوشته شده: خلیج پارس از حد پارس برگیرد با پهنای اندک تا حدود سند.

۱۸- شریف‌الزمان طاهر مروزی در طبایع‌الحيوان که تالیف آن به سال ۵۱۴ ه.ق به پایان رسیده، این آبراه را خلیج‌الفارسی نوشته است.

۱۹- شریف‌الادریس جغرافی‌دان از اعراب جزیره‌ی سیسیل متوفی به سال ۵۶۰ ه.ق در نزهت‌المشاق فی‌اختراق‌الافاق می‌نگارد: (ترجمه)
از دریای چین خلیج سبز که دریای پارس و ابله است منشعب می‌گردد...

۲۰- شمس‌الدین ابو‌عبدالله محمدبن ابی‌طالب الانصاری دمشقی الصوفی متوفی به سال ۷۲۷ ه.ق در نخبه‌الدهر فی غرائب البر و البحر نام این دریا را به دفعات بحر فارس و خلیج فارس آورده است.

۲۱- شهاب‌الدین احمدبن عبدالوهاب‌بن محمد‌التویری از مشاهیر دنیای اسلام و مورخ بزرگ متوفی در سال ۷۳۷ ه.ق در کتاب نهاییه‌الادب فی فنون‌الادب می‌نویسد: (ترجمه)
اما خلیج‌فارس مثلث شکل است به صورت بادبان کشتی...

۲۲- ابوحفص زین‌الدین عمر بن مظفر معروف به ابن‌الوردی متوفی به سال ۴۷۹ ه.ق خریدت العجائب و فریدت الغرائب می‌نویسد: (ترجمه)

فصل در پیرامون دریای پارس و جزیره‌ها و شگفتی‌های آن و آن دریای پارس خوانده می‌شود و آن شعبه‌ای از دریای بزرگ هند است.

۲۳- ابن‌بطوطه جهانگرد معروف عرب متوفی به سال ۷۷۹ ه.ق در سفرنامه خود تحفه‌النظار فی‌غرائب‌الامصار و عجائب‌الاسفار می‌نویسد: (ترجمه) پس در خلیج بیرون از دریای پارس بر کشتی نشسته به آبادان درآمدیم.

۲۴- حاج خلیفه مورخ بزرگ ترک متوفی به سال ۱۰۶۷ ه.ق در کتاب جهان‌نما در جغرافیای عالم که ترکی آن را نوشته است چنین می‌آورد: (ترجمه) دریای پارس: به این دریا سینوس پرسیقوس می‌گویند به معنای خلیج‌پارس. به مناسبت آن که در مشرق آن فارس واقع است بدان نسبت داده می‌شود و آن را ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز گویند.

۲۵- در دایره‌المعارف بستانی چاپ ۱۸۸۳ در ماده‌ی خلیج - خلیج‌العجمی ذکر نام می‌گردد و با درج مشخصات مراد خلیج‌فارس می‌باشد.

و این تنها معدودی از گزارشات تاریخی، جغرافیایی، جهانگردی است که نشان‌دهنده‌ی نام این آبراه در دوره‌های گوناگون تاریخی می‌باشد.

بعد از رسیدن اقوام آریایی به فلات ایران و استقرار حاکمیت قاطع آنان (بخصوص هخامنشیان که از تیره‌ی پارسی از شاخه‌های قوم آریایی بودند) تا به امروز همیشه نام این آبراه با پارس عجین و شناخته شده بود و هیچگاه نام دیگری بر آن نه از جانب ایرانیان و نه از جانب دشمنان ایرانیان نهاده نشد چه در دوران قدرت ایرانیان و چه در دوران ضعف ایشان. پس چگونه در چند دهه‌ی اخیر شاهد یک تحریف بزرگ در نام این آبراه پارسی می‌باشیم!!!

علل و ریشه‌های حذف نام پارس از روی آبراه

هیچ کنش تاریخی حتم به یقین در یک مدت زمان بسیار کوتاه زاییده نمی‌گردد. مسأله‌ی حذف نام فارس و اضافه نمودن نام مجعول عرب به روی آبگیر پارس، از این قانده‌ی کلی مستثنی نمی‌باشد.

ادعاهای ارضی و تحریفات حقایق تاریخی از جانب حکومت‌های عرب منطقه به زمان حکومت جمال عبدالناصر بازمی‌گردد و پس از آن حکومت‌های بعثی سوریه و عراق.

ناصر در سخنرانی‌های پرشور خود برای نمایش دادن وسعت کشورهای عربی از شعار (از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس) استفاده می‌کرد و این آغاز یک پان عربیسم توسط این فرمانروای شهیر مصر، مقدمات جداسازی بخش‌هایی از خاک ایران و منظم ساختن آن به امپراتوری اعراب را در پی داشت.

این سیاست در سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۷ در نقشه‌ای که در سوریه چاپ و به سرعت در سرزمین اعراب پخش شد، هویدا گردید {خوزستان ایران در این نقشه عربستان الارض‌المحتله نامیده شد.}

در این راستا آوریل سال ۱۹۶۹ م / فروردین ۱۳۴۸ خ در پی ادعای حاکمیت عراق به کل اروندرود، بحران شدیدی در منطقه رخ داد که پی داشت آن آماده‌باش نیروهای نظامی دو کشور بود که در آن روزگار به علت ضعف نظامی حکومت بعث عراق و قدرتمند بودن ایران جنگی در نگرفت و دولتین ایران و عراق با میانجیگری دولت وقت الجزایر به امضای قرارداد ۱۳۵۳/م/۱۹۷۵ خ الجزیره درگیری به ظاهر به پایان رسید.

اما اعراب ناشکیبانه در انتظار روشن کردن جنگی علیه ایران بودند که آخرالامر درگرفت.

دلیل روشن بر ادعای عراقی‌ها بر خوزستان ایران، دایره‌المعارفی بود که به سال ۱۹۷۷/م/۱۳۵۵ خ تالیف گردیده بود و خوزستان را با رنگی دیگر از ایران جدا کرده بود و نام آن را عربستان نهاده بود و این ادعا در تمام نقشه‌ها و کتب جغرافیایی عراق اعم از درسی و غیردرسی، رسمی و غیررسمی کاملاً هویدا بود و جنگ تحمیلی در جبهه‌ی فرهنگی گویا یک نسل پیش آغاز گردیده بود تا مقدمه‌ی تجاوز اعراب بر ایران گردد.

و آخرالامر این مهم در سال ۱۹۷۰م با حمله‌ی

گسترده‌ی اعراب به ایران آغاز گردید.

اما نقشه‌ی شوم اعراب با مقاومت ملی ایرانیان درهم شکست و تهاجمات فرهنگی اعراب نیز به سمت مراکز فرهنگی بین‌المللی برای تحریف نام خلیج فارس به خلیج عرب با تلاش‌های دیپلماتیک مسوولین امر بی‌ثمر ماند و سازمان ملل نام مجعول خلیج عربی را مردود و چون هزاره‌های گذشته خلیج فارس را نام این آبراه گذاشت.

اما اعراب در جبهه‌ی دوم یعنی نبرد فرهنگی به هیچ عنوان کوتاه نیامدند و راه خود را گونه‌ای دیگر ادامه دادند یعنی تحریف حقایق تاریخی به دست محققان و دانشمندان خارجی در سطح بین‌المللی.

تمام تلاش برای محو نام پارس

با توجه به اهمیت به سزای کشورهای مصر، عراق، سوریه و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس از نظر باستان‌شناسی و حفاریات و تعلق خاطر شدید موسسات آکادمیکی بین‌المللی به این مهم از سال ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی کشورهای عرب با نیت گسترش جنگ در جبهه‌ی فرهنگی با سیاستی کاملاً حساب شده شرطی تازه بر شرایط پیشین صدور مجوز حفاری افزودند و هیات‌های حفاری را ملزم کردند به نوشتن نام تحریف شده‌ی خلیج عربی به جای خلیج فارس، و این الزام در تمامی نقشه‌ها، نوشته‌ها و سخنرانی‌ها بود.

برخی از باستان‌شناسان که در مصر و سوریه بودند، کوشیدند مشکل را دور زنند و کاری کنند که نیازی به بردن نام از این خلیج در نوشته‌ها و نقشه‌ها نباشد ولی آن دسته باستان‌شناسانی که در عراق و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس به حفاری مشغول بودند و راه گریز از خواسته‌ی اعراب را نداشتند، تنها به حذف نام فارس پرداختند و آن را خلیج نامیدند، عده‌ای از باستان‌شناسان زیر این فشار عربی به ایران آمدند که متأسفانه به علت نبود بستر مناسب برای پذیرش آنان اکثرشان جذب کشور ترکیه شدند اما باستان‌شناسان جوان و جویای نام این شرط اعراب را با رویی گشاده قبول کردند و این یکی از عوامل بسیار خطرناک است.

زیرا گزارشات آنان با نام تحریف شده‌ی خلیج عرب مقدمات حضور در اطلس‌های بین‌المللی را می‌پیماید و دیری نخواهد پایید که نام مجعول خلیج عربی در تمامی مجامع علمی، رسانه‌های گروهی بین‌المللی جای خلیج فارس را خواهد گرفت.

پس کاری بسیار ژرف و بزرگ پیش رو است. ▲

(منابع در دفتر ماهنامه موجود است)